

عاشورا در آینده آمار و ارقام

محسن رنجبر**

چکیده

پژوهش حاضر، گزارشی است از مهم‌ترین اعداد و ارقام حادثه عاشورا، از جمله آمار سپاه امام حسین علیه السلام و لشکر یزید، آمار شهدا و کشته‌های دشمن، آمار سرهای شهدا، روز شمار واقعه عاشورا و... . ضمن مقایسه و تحلیل اخبار گوناگون و در برخی موارد، ناهمگون درباره اعداد و ارقام این حادثه، تلاش شده است که گزارش صحیح و قابل پذیرش، گزینش و ارائه شود.

واژگان کلیدی: عاشورا، آمار، سپاه امام حسین علیه السلام، سپاه یزید و شهدای کربلا.

مقدمه

یکی از مباحث تاریخ عاشورا که باید بحث و بررسی درباره آن صورت گیرد، حادثه کربلا در قالب آمار و ارقام است. اهمیت این بحث از آن روست که با توجه به بستر تاریخی این واقعه و تغییر شرایط و اوضاعی که بر این حادثه از آغاز تا فرجام آن حاکم بوده است، اعداد و ارقام گزارش شده درباره آن، متفاوت و گاه متناقض است. با توجه به همین نکته، پژوهش حاضر انجام شده، با مقایسه بین منابع کهن تاریخی

*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام.

در این باره، گزارش شفافی از اعداد و ارقام به کار رفته در این رخداد تاریخی ارائه می‌شود. گفتنی است در این نوشتار در خصوص آمار و ارقامی که از آغاز تا فرجام حادثه، قابل توجه و تأمل است^۱ به ویژه آمار سپاه طرفین، شهدا، کشته‌های دشمن و... به ترتیب حوادث، تحقیق و بررسی شده است.

۱- آمار نامه‌های کوفیان به امام حسین (ع)

مورخان، آمار نامه‌های رسیده به امام حسین (ع) را در مکه گوناگون نوشته‌اند. گروهی ۱۵۰ نامه نوشته‌اند که هر نامه متعلق به یک یا دو یا چهار نفر بوده است.^۲ طبری، تعداد نامه‌ها را حدود پنجاه و سه^۳ و بلاذری ۵۰ نامه نوشته است.^۴ اما ابن سعد تعداد نویسندگان نامه را ۱۸ هزار نفر نگاشته است،^۵ چنان که سید بن طاووس گزارش کرده است که در یک روز ۶۰۰ نامه برای امام (ع) آمد تا آن که ۱۲ هزار نامه جمع شد.^۶

گزارش ابن سعد و ابن طاووس را نمی‌توان پذیرفت، زیرا - چنان‌که خواهیم

۱. بنابراین به برخی از اعداد و ارقام که چندان اهمیت ندارد، پرداخته نمی‌شود.

۲. ابن اعثم، کتاب الفتوح، ج ۵، ص ۲۹؛ شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۹۸؛ ابن جوزی، المستظم فی تاریخ السلوک و الامم، ج ۵، ص ۳۲۷؛ خوارزمی، مقتل الحسین (ع)، ج ۱، ص ۲۸۳؛ اربلی، کشف الغم، ج ۲، ص ۲۵۳؛ محمد بن طلحه شافعی، مطالب السؤل فی مناقب الرسول (ص)، ج ۲، ص ۷۱؛ سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة (ع)، ج ۲، ص ۱۲۶؛ سید ابن طاووس، اللہوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۴؛ ابن کثیر، البدایة و النہایہ، ج ۸، ص ۱۶۲؛ ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۳۰۲.

۳. طبری، تاریخ الامم و السلوک، ج ۲، ص ۲۶۲. عبارت وی در این باره چنین است: «... فحملوا معهم نحواً من ثلاثة و خمسين صحيفة...» البته برخی محققان معاصر، تعبیر «ثلاثة» را تصحیف «مائة» دانسته و گزارش طبری را نیز همان ۱۵۰ نامه تلقی کرده‌اند و شاهد بر این امر را نقل شیخ مفید، ابن اعثم، خوارزمی و سبط ابن جوزی گرفته‌اند که آنان نیز ۱۵۰ نامه نوشته‌اند و احتمالاً همه آنان از ابومخنف نقل کرده‌اند (محمد هادی یوسفی غروی، وقعة الطف، ص ۹۳). اما چنان‌که در متن ملاحظه می‌شود، بلاذری با این که احتمالاً از ابومخنف نقل کرده است، ۵۰ نفر گزارش کرده است، هم‌چنان که سبط ابن جوزی که ۱۵۰ نامه گزارش کرده است، از ابن اسحاق نقل کرده است، نه از ابومخنف (همان، ص ۲۴۴).

۴. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۷۰.

۵. محمد بن سعد، «ترجمة الحسین (ع) و مقتله»، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، فصلنامه تراث، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۴۰۸ق، ص ۱۷۴.

۶. همان، ص ۲۴. ابن نما نیز به رقم دوازده هزار اشاره کرده است (مثیر الاحزان، ص ۱۶).

نوشت - آن چه در برخی منابع کهن آمده، آن است که بیعت کنندگان (نه نویسندگان نامه ها) ۱۲ یا ۱۸ هزار نفر بوده اند، از این رو به نظر می رسد این دو مورخ بین تعداد نویسندگان نامه ها و آمار بیعت کنندگان خلط کرده اند.

در جمع بندی دیدگاه مورخان در این باره، به نظر می رسد گزارش ۱۵۰ نامه با توجه به کثرت قائلان و قدمت برخی منابع آن، به واقعیت نزدیک تر باشد.

۲. تعداد بیعت کنندگان با حضرت مسلم در کوفه

تعداد کوفیان بیعت کننده با مسلم بن عقیل نیز در منابع تاریخی متفاوت نقل شده است. بسیاری از منابع، آمار بیعت کنندگان را ۱۸ هزار نفر^۱ و برخی ۱۲ هزار نفر^۲ نوشته اند. در خبری به نقل از امام باقر علیه السلام آمار بیعت کنندگان ۲۰ هزار نفر بیان شده است.^۳ اما ابن اعثم و خوارزمی بیش از ۲۰ هزار نفر،^۴ ابن شهر آشوب ۲۵ هزار نفر،^۵ ابن قتیبه و ابن عبدربه بیش از ۳۰ هزار نفر،^۶ و ابن عساکر و ابن نما حلی (در جای دیگر به نقل از شعبی)، ۴۰ هزار نفر^۷ گزارش کرده اند.

در گزارشی، زید بن علی در پاسخ سلمه بن کهیل بیعت کنندگان با جدش امام

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۲۷۵؛ ابوحنیفه دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۳۵؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۱؛ ابن جوزی، همان، ج ۵، ص ۳۲۵؛ سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ج ۲، ص ۱۴۱؛ ابن نما حلی، مئذی الاحزان، ص ۲۱؛ سید ابن طاووس، اللہوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۵؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۹۹؛ ابن عنبه، عمدة الطالب فی اُنساب آل ابی طالب، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۲. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۲۵۹ به نقل از عمار دهنی، ابن عساکر، ترجمة الامام الحسن علیه السلام، ص ۳۰۲؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۹۹؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۰۶؛ احمد بن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة فی رد اهل البدع و الزندقه، ص ۱۹۶. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۶۵ و سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ج ۲، ص ۱۴۱، ۱۸ هزار نفر را به عنوان قول دیگر بیان کرده اند.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۶۸. اما در برخی مأخذ، به جای ۲۰ هزار نفر، ۱۸ هزار نفر گزارش شده است (سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ص ۱۸۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۲). خوانند میر نیز به این قول اشاره کرده است (غیاث الدین بن همام الدین حسینی (خوانند میر)، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۲، ص ۴۲).

۴. ابن اعثم، همان، ج ۵، ص ۴۰؛ خوارزمی، مقتل الحسن علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۰.

۵. ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۹۹. او پس از اقامت مسلم در منزل عروه، این آمار را گزارش کرده است.

۶. ابن قتیبه دینوری، الامامة و السياسة، ج ۲، ص ۸؛ احمد بن محمد بن عبد ربه اندلسی، العقد الفرید، ج ۴، ص ۳۵۲.

۷. ابن عساکر، ترجمة الامام الحسن علیه السلام، ص ۲۸۴ و ابن نما حلی، مئذی الاحزان، ص ۱۶.

حسین علیه السلام را هشتاد هزار نفر ذکر کرده است^۱ که به نظر می‌رسد این رقم نزدیک به تعداد افرادی است که آمادگی خود را برای جنگ با سپاه یزید اعلام کردند. گزارش طبری از ابومخنف که ۱۸ هزار نفر را گزارش کرده است، از اعتبار بیشتری برخوردار است، به ویژه آن که منابع کهن دیگر نیز این آمار را تأیید کرده‌اند.

۳- کوفیان آماده برای نبرد

در برخی گزارش‌ها آمده است که آمار کوفیان آماده برای جنگ با لشکر یزید ۱۰۰ هزار نفر بودند.^۲

۴- قیام کنندگان همراه مسلم

برخی منابع، تنها به همراه شدن کوفیان با مسلم در آغاز قیامش اشاره کرده و سخنی از تعداد آنان به میان نیاورده‌اند. ابوالفرج اصفهانی می‌نویسد: هنگام خروج مسلم، کوفیان نزد وی اجتماع کردند تا آن‌جا که مسجد و بازار کوفه از جمعیت پر شد.^۳ اما ابن سعد و ذهبی، همراهان مسلم را در قیام کوفه، ۴۰۰ نفر،^۴ طبری و شیخ مفید ۴ هزار نفر^۵ و ابن اعثم، مسعودی و خوارزمی، ۱۸ هزار یا بیشتر،^۶ ابن شهر آشوب، ۸ هزار نفر^۷ و ابن حجر عسقلانی ۴۰ هزار نفر^۸ نوشته‌اند.

با توجه به آن که فراخوانی نیروها از سوی مسلم بر اثر شرایط اضطراری که

۱. طبری، همان، ج ۵، ص ۴۸۹ (حوادث سال ۱۲۱).

۲. ابن سعد، ترجمه الحسین و مقتله، ص ۱۷۴؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۴۲۲؛ طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۴، ص ۲۹۴؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۷۱؛ ابن نما حنی، مبرالاحزان، ص ۱۶؛ سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ج ۲، ص ۱۳۳؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۹۹.

۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۷۰-۷۱.

۴. همان، ص ۱۷۵ و ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۹۹.

۵. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۴، ص ۲۶۰ به نقل از عمار دهنی و ص ۲۷۵ به نقل از ابومخنف، و شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۵۲.

۶. ابن اعثم، الفتوح، ج ۵، ص ۴۹؛ خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۷. مسعودی، تنها ۱۸ هزار نفر را گفته است (مروج الذهب و معادن الجوهر، ج ۳، ص ۶۸).

۷. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۱.

۸. تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۳۰۳.

عبدالله به وجود آورده بود، ناگهانی و بدون اعلام قبلی صورت گرفت و طبیعتاً نمی شد همه بیعت کنندگان به سرعت به مسلم پیوندند، گزارش طبری از ابو مخنف و شیخ مفید، یعنی ۴ هزار نفر از اعتبار بیشتری برخوردار است.

۵- محاصره کنندگان مسلم

در جریان دستگیری مسلم توسط نیروهای رئیس پلیس کوفه، برخی منابع، تعداد افرادی را که مأموران انجام این کار شده بودند، ۶۰ یا ۷۰ نفر^۱ و برخی دیگر ۱۰۰ یا ۳۰۰ نفر^۲ نوشته اند.

اگر بپذیریم که حتی کم ترین عدد، یعنی ۶۰ نفر، مأمور دستگیری حضرت مسلم شده بودند، این امر حاکی از شجاعت و دلاوری بالای وی دارد که حاکم کوفه مجبور می شود این تعداد افراد را برای دستگیری او گسیل دارد.

۶- آمار اصحاب امام علی (ع)

پیش از پرداختن به گزارش های مورخان در این باره، یادآوری چند نکته ضروری است:

۱- هیچ شیوه ای برای دست یافتن به آمار دقیق و حقیقی یاران امام حسین (ع)، اعم از شهدا و غیرشهدا وجود ندارد و این مسئله به دو سبب است:

اول: آن که مستندات و مدارک دست اول در این باره، گزارش های شاهدان عینی حادثه است که تعداد یاران امام (ع) را گوناگون نقل کرده اند. این گونه گزارش ها، طبیعتاً بر مبنای شمارش و آمارگیری دقیق و تک تک نبوده است، بلکه به اقتضای ویژگی های طبیعی این قبیل حوادث و بر مبنای مشاهده عینی و حدس و تخمین بوده است.^۴

۱. طبری، همان، ج ۴، ص ۲۷۹؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۶۹. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۹؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۵۷، طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۲۳ و ابن نما حلی، شیرالاحزان، ص ۲۴. تنها ۷۰ نفر را گفته اند.

۲. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۴۰.

۳. ابن اعمش، همان، ج ۵، ص ۵۳.

۴. محمد مهدی شمس الدین، انصار الحسین (ع)، ص ۴۳.

دوم: آن که در ثبت و ضبط نام افراد در منابع تاریخ و حدیث، از نظم و قاعده مشخصی پیروی نشده است؛ به این معنا که در ضبط نام افراد، دقت لازم صورت نگرفته است، گاه یک نفر به اعتبار اسم، کنیه، نام پدر یا مادر و یا حتی با مشخصات تیره و تبار، به چند شکل ثبت شده و در نتیجه، این امر موجب تکرار نام و نشان یک نفر شده است. از این رو مشاهده می شود که در برخی منابع و مقاتل، یک نفر، چند نفر به حساب آمده است.^۱ این امر هر محقق را در ارائه گزارش شفاف و دقیق از آمار اصحاب امام علیه السلام با مشکل روبه رو ساخته است.

۲- تعداد یاران امام حسین علیه السلام در همه مراحل قیام، ثابت نبوده است، چنان که یاران امام علیه السلام هنگام خروج از مکه با زمان ورود حضرت به کربلا و با روز عاشورا متفاوت بوده است. برای نمونه - چنان که خواهیم نوشت - ابن اعثم و خوارزمی آمار اصحاب امام علیه السلام را هنگام خروج حضرت از مکه ۸۲ نفر گزارش کرده اند، اما تعداد سپاه حضرت را در روز عاشورا ۷۲ نفر نوشته اند.

۳- گذشته از اختلاف گزارش ها درباره آمار بنی هاشم، این نکته حائز اهمیت است که برخی از افراد بنی هاشم نه تنها در کربلا حضور نداشته اند، بلکه در اصل وجود آنان نیز شک و تردید است، مثلاً ابراهیم بن حسین علیه السلام را برخی منابع متأخر، از فرزندان امام حسین علیه السلام دانسته اند،^۲ اما در منابع متقدم تاریخی، حدیثی، رجالی و انساب، چنین فرزندی برای امام علیه السلام گزارش نشده است.

با توجه به آنچه گفته شد برای آن که تا حد امکان، گزارش روشنی در این باره ارائه شود، آمار اصحاب امام علیه السلام در چهار مقطع زمانی و مکانی از مراحل قیام، بررسی و ارائه می شود:

الف) هنگام خروج از مدینه

تا آن جا که بررسی کرده ایم بسیاری از منابع، تنها به خروج امام حسین علیه السلام از مدینه

۱. به عنوان نمونه، «یزید بن زیاد بن مهاجر (ابوالشعثاء کندی)» به نام های یزید بن مهاجر جعفی، یزید بن زیاد بن مظاهر کندی، زائدة بن مهاجر و... نیز ضبط شده است. رک: محمد مهدی شمس الدین، همان، ص ۱۱۱، ۱۱۷ و ۱۲۱.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۲۲.

همراه اهل بیت خود اشاره کرده و هیچ سخنی از تعداد همراهان امام علیه السلام به میان نیاورده‌اند.^۱ تنها رقمی که در این باره وجود دارد، در روایت شیخ صدوق علیه السلام از امام صادق علیه السلام است که در آن تعداد یاران و اهل بیت همراه امام حسین علیه السلام هنگام خروج، ۲۱ نفر گزارش شده است.^۲

ب) هنگام خروج از مکه

۱- ابن سعد تعداد همراهان امام علیه السلام را ۶۰ نفر از اصحاب و ۱۹ نفر از بنی هاشم (زن، مرد و کودک) نوشته است.^۳ ابن عساکر و ابن کثیر در گزارش خود، تعداد اهل بیت امام علیه السلام را مشخص نکرده‌اند، اما تعداد یاران امام علیه السلام را ۶۰ نفر از کوفیان نوشته‌اند.^۴

۲- ابن قتیبه دینوری و ابن عبد ربه از زبان مسلم بن عقیل هنگام شهادتش (که مصادف با زمان خروج امام علیه السلام از مکه بوده) همراهان امام حسین علیه السلام را از زن و مرد، ۹۰ نفر نوشته‌اند.^۵

۳- ابن اعثم، خوارزمی، محمد بن طلحه شافعی، اربلی و ابن صباغ مالکی همراهان امام علیه السلام را هنگام خروج حضرت از مکه ۸۲ نفر نوشته‌اند.^۶

۴- ابن کثیر در جای دیگر، همراهان امام علیه السلام را نزدیک به ۳۰۰ نفر نوشته است.^۷ چنان که ملاحظه می‌شود، صرف نظر از گزارش اخیر ابن کثیر که متفرد است،

۱. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۲۸؛ طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۴، ص ۲۵۳؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴؛ ابن اعثم، همان، ج ۵، ص ۲۲؛ قتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۷۱؛ طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۳۳۵؛ خوارزمی، همان، ج ۱، ص ۲۷۳؛ سبط ابن جوزی، همان، ص ۲۳۶.
۲. شیخ صدوق، الامالی، مجلس ۳۰، ج ۱، ص ۲۱۷ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۲.
۳. ابن سعد، همان، ص ۱۷۰.

۴. ابن عساکر، ترجمة الامام الحسين علیه السلام، ص ۲۹۹؛ ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۱۷۸.
۵. ابن قتیبه دینوری، الامامة والسياسة، ج ۲، ص ۱۰ و ابن عبد ربه، العقد الفرید، ج ۴، ص ۳۵۵.
۶. ابن اعثم، همان، ج ۵، ص ۶۹؛ خوارزمی، مقتل الحسين علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۷؛ محمد بن طلحه شافعی، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ج ۲، ص ۷۳؛ اربلی، کشف الغم، ج ۲، ص ۲۵۳؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۶. البته این منابع، تمام همراهان امام علیه السلام (اعم از زن و مرد و اهل بیت و یاران) را این رقم نوشته‌اند.
۷. ابن کثیر، همان، ج ۶، ص ۲۵۹.

تفاوت آمارهای دیگر با هم، کمتر از ده نفر است^۱ که این تفاوت - چنان که گفته شد - ناشی از گزارش تخمینی راویان (نه آمارگیری دقیق) است.

ج) در کربلا (پیش از عاشورا)

گزارش آمار یاران امام علیه السلام هنگام ورود و حضور در کربلا متفاوت نقل شده است:

۱ - عمار دهنی به نقل از امام باقر علیه السلام یاران امام حسین علیه السلام را هنگام ورود به کربلا ۱۴۵ نفر (۴۵ نفر سواره و ۱۰۰ نفر پیاده) ذکر کرده است.^۲

۲ - برخی مورخان ۸۹ نفر نوشته‌اند، با این توضیح که ۵۰ نفر اصحاب امام علیه السلام، ۲۰ نفر از اسبپاه دشمن (که به امام علیه السلام پیوستند) و ۱۹ نفر از اهل بیت علیهم السلام.^۳ وی پیش از این، تعداد سواران امام علیه السلام را ۳۲ نفر در مسیر کربلا نوشته است.^۴

۳ - یعقوبی اصحاب و اهل بیت امام علیه السلام را ۶۲ یا ۷۲ نفر گزارش کرده است.^۵

۴ - مسعودی تنها مورخی است که آمار اصحاب امام علیه السلام را هنگام روانه شدن به کربلا به همراه سپاه حر، ۵۰۰ سوار و حدود ۱۰۰ پیاده نوشته است.^۶

۵ - ابن شهر آشوب تعداد یاران امام علیه السلام را در کربلا (پیش از عاشورا) ۸۲ نفر نوشته است.^۷

۶ - ابن أبار بکنسی^۸ (م ۶۵۸ ق) بیش از ۷۰ نفر پیاده و سواره نوشته است.^۹

۱. اما گزارش ابن عساکر که ابن کثیر نیز آن را نقل کرده است، بدون لحاظ بنی هاشم است که اگر تعداد آنان نیز در گزارش آمده بود، آمار او به ارقام گزارش‌های دیگر نزدیک می‌شد.

۲. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۴، ص ۲۹۲؛ یحیی بن حسین بن اسماعیل جرجانی شجری، الامالی الخیسیه، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ سید ابن طاووس، اللہوف فی قتلی الطفوف، ص ۶۰؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۰۸؛ ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۲۱۴؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمیز الصحابه، ج ۲، ص ۷۱؛ همو، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۳۰۴. ابن نما، خبر عمار دهنی از امام باقر علیه السلام را مربوط به روز عاشورا دانسته است. (میر الاحزان، ص ۳۹).

۳. همان، ص ۱۷۸؛ ابن عساکر، همان، ص ۳۲۹؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۹۸ و ۳۰۰.

۴. همان، ص ۱۷۷.

۵. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۳.

روایت عمار دُهنی و گزارش مسعودی را نمی‌توان پذیرفت. اما روایت عمار دُهنی - صرف نظر از بحث‌هایی که در مورد عمار در کتاب‌های رجالی مطرح است -^۱ از نظر محتوا متفرد است و نه تنها هیچ شاهی آن را تأیید نمی‌کند، بلکه گزارش جدا شدن گروهی از همراهان امام علیه السلام در منزل زباله که به انگیزه پیروزی امام علیه السلام ایشان را همراهی کرده بودند،^۲ حاکی از کاهش چشم‌گیر یاران امام علیه السلام است و - چنان‌که در قسمت پیشین نگاشته شد - گزارش‌های آمار یاران امام علیه السلام پس از خروج وی از مکه و در بین راه و پیش از ورود به کربلا، حداکثر ۹۰ نفر را تأیید می‌کند، از این رو نمی‌توان این گزارش را قابل اعتماد دانست. اما مسعودی در نقل گزارش خود متفرد است و هیچ شاهد و قرینه‌ای نقل او را تأیید نمی‌کند. بنابراین، از مجموع گزارش‌های دیگر، این نتیجه را می‌توان گرفت که یاران امام علیه السلام ۷۰ تا نزدیک به ۹۰ نفر بوده‌اند.

(۵۹)

تاریخ اسلام و روایات

(د) روز عاشورا

گزارش‌های تاریخی در مورد تعداد یاران امام علیه السلام در روز عاشورا نیز یک گونه نیست که ذیلاً ملاحظه می‌شود:

- ۱ - مشهورترین و پرگوینده‌ترین قول، ۷۲ نفر است. ابو مخنف به نقل از ضحاک بن عبدالله مشرقی، یاران امام حسین علیه السلام را ۷۲ نفر (۳۲ نفر سواره و ۴۰ پیاده) نوشته است.^۳
- ۲ - گزارش حصین بن عبدالرحمن از سعد بن عبیده که سپاه امام علیه السلام را نزدیک به ۱۰۰ نفر دانسته است.^۴

۱. رک: تستری، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۹-۸ و خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۲۶۸-۲۶۹.

۲. طبری، تاریخ الامم والملوک، ص ۳۰۱-۳۰۰ و شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۷۵.

۳. طبری، همان، ج ۴، ص ۳۲۰؛ شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۹۵. بسیاری از مورخان، این قول را قائل شده‌اند: بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ۳۹۵؛ دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۵۶؛ ابن ائثم، کتاب الفتح، ج ۵، ص ۱۰۱؛ قاضی نعمان مغربی، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۵۵؛ طبری، دلائل الامامة، ص ۱۷۸؛ قتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۸۴؛ طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۵۷؛ خوارزمی، مقتل الحسن علیه السلام، ج ۲، ص ۶؛ ابن جوزی، المستظم، ج ۵، ص ۳۳۹؛ عماد الدین طبری، کامل بهائی (الکامل البهائی فی السقیفه)، ج ۲، ص ۲۸۱؛ ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۱۹۲.

۴. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۴، ص ۲۹۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۴۲۴؛ شمس الدین ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۱۵.

- ۳- طبری از ابومخنف از قول زید بن علی، یاران امام علی (ع) را ۳۰۰ نفر نوشته است.^۱
 - ۴- قاضی نعمان مغربی، کم‌تر از ۷۰ نفر را نیز گفته است.^۲
 - ۵- مسعودی نویسنده کتاب اثبات الوصیه ۶۱ نفر نوشته است.^۳
 - ۶- خوارزمی (بنابر روایتی) ۱۱۴ نفر نوشته است.^۴
 - ۷- سبط ابن جوزی، ۱۴۵ نفر (۴۵ نفر سواره و ۱۰۰ نفر پیاده) نوشته است.^۵
 - ۸- ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ ق)، بیش از ۸۰ نفر (هشتاد و چند نفر) نوشته است.^۶
- گزارش ۷۲ نفر به اعتبار قدمت و اعتبار منابع و نیز کثرت ناقلان آن، قابل اعتماد و پذیرش است.

۷- آمار لشکر عمر سعد

الف) تعداد سپاه

در منابع تاریخی، آمار سپاهیان یزید نیز همانند آمار سپاه امام علی (ع) بسیار گوناگون نوشته شده است:

- ۱- برخی منابع، نام فرماندهان سپاه دشمن را با تعداد افراد تحت فرمان‌شان، به تفصیل گزارش کرده و مجموع آن را ۲۲ هزار نفر نوشته‌اند.^۷

۱. همان، ج ۵، ص ۴۸۹. (ذیل حوادث سال ۱۲۱).
۲. همان، ج ۳، ص ۱۵۴؛ ابوزید احمد بن سهل بلخی، البدء والتاریخ، ج ۲، ص ۲۴۱.
۳. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۶۶.
۴. همان، ج ۲، ص ۶؛ محمد بن ابی‌طالب حسینی موسوی، تسلية المجالس و زينة المجالس، ج ۲، ص ۲۷۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴. عبارت خوارزمی در این باره چنین است: «... و كان معه اثنان و ثلاثون فارساً و اربعون راجلاً و فی رواية: اثنان و ثمانون راجلاً...». البته این در صورتی است که «اثنان و ثمانون راجلاً» عطف به «اربعون راجلاً» باشد که با احتساب سوارگان سپاه امام علی (ع)، مجموعاً تعداد آنان ۱۱۴ نفر (سواره و پیاده) می‌شود.
۵. تذکرة الخواص، ج ۲، ص ۱۶۰. هم‌چنین او قول به ۱۷۰ نفر (۷۰ نفر سواره و ۱۰۰ نفر پیاده) و نیز قول به ۳۰ سواره را نیز بیان کرده است (همان).
۶. الصواعق المحرقة، ص ۱۹۷.
۷. ابن اعمش، همان، ج ۵، ص ۸۴ - ۹۰ و ص ۱۰۱؛ خوارزمی، همان، ج ۱، ص ۳۴۱ - ۳۴۵. البته خوارزمی، نام برخی از فرماندهان را متفاوت از ابن اعمش نوشته است؛ ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۱، ص ۶۷؛ مجلسی، همان، ج ۴۴، ص ۳۸۶. ملاحسین کاشفی، این عدد را صحیح‌ترین رقم آمار سپاه دانسته است (روضه الشهداء، ص ۳۴۶).

۲ - شیخ صدوق رحمه الله بنا بر دو روایت از امام صادق و امام سجاد علیه السلام آمار لشکر عبیدالله را ۳۰ هزار نفر نوشته است.^۱

۳ - مسعودی، صاحب کتاب اثبات الوصیه ۲۸ هزار نفر گزارش کرده است.^۲

۴ - طبری شیعی ۱۴ هزار نفر نگاشته است.^۳

۵ - ابن شهر آشوب ۳۵ هزار آمار داده، اما هنگام گزارش نام فرماندهان هر بخش، تعداد افراد تحت فرمان آنان را در مجموع، ۲۵ هزار نفر نوشته است.^۴

۶ - سبط ابن جوزی ۶ هزار نفر نگاشته است.^۵

۷ - گزارش دیگری آمار سپاه دشمن را تا روز ششم محرم، ۲۰ هزار نفر نوشته است.^۶

۸ - ابن عنبه ۳۱ هزار نفر گزارش کرده است.^۷

۹ - ملا حسین کاشفی ۳۲ هزار و ۱۷ هزار را نیز گزارش کرده است.^۸

به نظر می‌رسد گزارش قابل اعتماد در این باره، روایت شیخ صدوق از امام صادق و امام سجاد علیه السلام، یعنی ۳۰ هزار نفر باشد، زیرا اگرچه برخی از راویان این دو روایت توثیق نشده‌اند، اما با توجه به عنایت شیخ صدوق به این دو روایت و به لحاظ این که انگیزه جعل و تحریف در این مورد، به نظر نمی‌رسد، رقم ۳۰ هزار نفر قابل پذیرش است.

ب) آمار کشته‌ها

بسیاری از منابع، تعداد کشته‌های سپاه دشمن را ۸۸ نفر (به جز مجروحان) نوشته‌اند.^۹

۱. شیخ صدوق، الامالی، مجلس ۲۴، ص ۱۷۷، ح ۳ و مجلس ۷۰، ص ۵۴۷، ح ۱۰. سید ابن طاووس نیز به این رقم اشاره کرده است (اللهوف، ص ۷۰).

۲. اثبات الوصیه، ص ۱۶۶.

۳. دلائل الامامة، ص ۱۷۸.

۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۶.

۵. تذکرة الخواص، ج ۲، ص ۱۶۱.

۶. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ص ۱۹۱؛ سید ابن طاووس همین آمار را با قید روز ششم آورده است (اللهوف، ص ۵۲).

۷. عمدة الطالب فی أنساب آل ابی طالب، ص ۱۹۲.

۸. همان، ص ۳۴۶.

۹. ابن سعد، ترجمة الحسين و مقتله، ص ۱۸۴؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۴۱۱؛ طبری، تاریخ الامم و

اما این آمار نادرست به نظر می‌رسد، زیرا:

اولاً: طبق برخی گزارش‌ها، تعداد کشته‌های دشمن حتی به دست برخی از یاران امام علیه السلام بسیار بیش از این تعداد بوده است. شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) و به پیروی از او، محمد بن قتال نیشابوری (م ۵۰۸ ق) تعداد کشته‌های دشمن را توسط برخی از اصحاب امام علیه السلام، چنین نوشته‌اند: حرّ بن یزید: ۱۸ نفر، زهیر بن قین: ۱۹ نفر، حبیب بن مظاهر: ۳۱ نفر، عبدالله بن ابی عروه غفاری: ۲۰ نفر، بُریر بن خُصَیر: ۳۰ نفر، مالک بن انس کاهلی: ۱۸ نفر، (یزید بن) زیاد بن مهاصر کندی (ابوالشعلاء): ۹ نفر،^۱ وَهَب بن وَهَب (یا عبدالله بن عمیر کلبی): ۷ (یا ۸) نفر، (نافع بن) هلال بن حجاج: ۱۳ نفر،^۲ عبدالله بن مسلم بن عقیل: ۳ نفر، علی اصغر^۳ (اکبر) علیه السلام: ۵۴ نفر، قاسم بن الحسن علیه السلام: ۳ نفر.^۴

چنان‌که ملاحظه می‌شود طبق این گزارش، تعداد کشته‌های دشمن توسط برخی از سپاهیان امام علیه السلام، ۲۲۵ (یا ۲۲۶)^۵ نفر است؛ یعنی بیش از دو برابر و نیم عدد ۸۸ نفر. ابن شهر آشوب، آمار کشته‌های دشمن را بیش از آمار شیخ صدوق نوشته است. برای نمونه، او تعداد کشته شدگان توسط افراد نام برده را چنین گزارش کرده است: حُرّ بیش از ۴۰ نفر، حبیب بن مظاهر ۶۲ نفر، زهیر بن قین ۱۲۰ نفر، حجاج بن مسروق ۲۵ نفر، عون بن عبدالله بن جعفر ۲۱ نفر، علی اکبر ۷۰ نفر و عبدالله بن مسلم بن عقیل ۹۸ نفر.^۶

اگرچه ممکن است پذیرش برخی از این آمار با توجه به مدت زمان نبرد در روز

۱. الملوك، ج ۴، ص ۳۴۸؛ ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی مغربی، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۵۵؛ مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۷۳؛ نویری، نهاية الارب فی فنون الادب، ج ۲۰، ص ۴۶۳؛ ابن کثیر، البداية و النهایه، ج ۸، ص ۲۰۵-۲۰۶.

۱. بلاذری، همان، ج ۳، ص ۴۰۵ و طبری، همان، ج ۴، ص ۳۴۰، تعداد کشته‌ها را ۵ نفر نوشته‌اند.

۲. بلاذری، همان، ج ۳، ص ۴۰۴ و طبری، همان، ج ۴، ص ۳۳۶، تعداد کشته‌ها را توسط نافع، ۱۲ نفر نوشته‌اند.

۳. چنان‌که در جای خود باید بررسی شود، شیخ صدوق از افرادی است که علی اکبر فرزند جوان امام علیه السلام را علی اصغر می‌نامد.

۴. الامالی، مجلس ۳۰، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۶؛ قتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۸۶-۱۸۸.

۵. در صورتی که وهب ۸ نفر کشته باشد.

۶. ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۰۹-۱۱۴.

عاشورا به نظر مشکل برسد، اما ارقام یاد شده در مجموع، حاکی از آن است که تعداد کشته‌های دشمن، بسیار بیش از ۸۸ نفر بوده است. به نظر می‌رسد شرایط حاکم بر عصر نگارش این گزارش‌ها، بیش از این به مورخان اجازه نمی‌داده که آمار فزون‌تری از کشته‌های لشکر عمر سعد ارائه کنند.

ثانیاً: با توجه به شجاعت و استقبال یاران امام (علیه السلام) و به ویژه بنی هاشم از شهادت و پیشی گرفتن آنان از یکدیگر در جان‌نثاری در راه هدف مقدس پیشوای‌شان، آن‌چنان نمود و بروز داشته است که حتی برخی از افراد سپاه دشمن را به اعتراف واداشته است. ابن ابی‌الحدید از قول یکی از افراد دشمن که در کربلا حضور داشته است، در پاسخ یکی از معترضان که چرا با حسین (علیه السلام) جنگید؟ در توصیف شجاعت یاران امام (علیه السلام) می‌گوید:

گروهی بر ما قیام کردند که دست‌های‌شان بر قبضه‌های شمشیرشان بود و همچون شیران شریزه از چپ و راست، سواران شجاع را از پا درمی‌آوردند و خویشتن را به کام مرگ افکنده بودند، نه امان می‌پذیرفتند و نه رغبتی به مال داشتند و هیچ چیز نمی‌توانست میان آنان و وارد شدن در دام مرگ یا چیرگی بر ملک، مانع و حایل شود و اگر اندکی دست برمی‌داشتیم، با تمام جان، لشکر را نابود می‌کردند. [با این حال] ای بی‌مادر! ما چه کار می‌توانستیم انجام دهیم.^۱

افزون بر این، در خصوص شجاعت علی‌اکبر نقل شده است که آن قدر از سپاه دشمن را کشت که فریاد اعتراض آمیز دشمن بلند شد.^۲ از این رو گزارش ۸۸ نفر و نیز سخن زحر بن قیس به یزید که حاکی از کشتن امام (علیه السلام) و یارانش در مدت کوتاهی (به اندازه کشتن یک شتر یا خواب قیلوله) بود، نادرست و بلوف برای خوشامد یزید بوده است.

۸- آمار شهدا

در بررسی آمار شهدا با دو دسته منابع سر و کار داریم: دسته نخست، همان منابع تاریخی کهن است که در مواردی، آمار شهدا و نیز نام افراد و چگونگی مبارزه و

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۶۳.

۲. ابن‌اعثم، همان، ج ۵، ص ۱۱۵؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۳۵. خوارزمی در ادامه می‌نویسد: علی‌اکبر (در مجموع) ۲۰۰ نفر را کشت (همان).

شهادت‌شان را نگاشته‌اند، اما این گزارش‌ها در برخی موارد، بسیار متفاوت و با هم ناهمخوان است، حتی - چنان‌که خواهیم نوشت - گزارش یک نفر مانند زحر بن قیس که در بردارنده آمار شهداست، بسیار گوناگون نوشته شده است.

اما گروه دوم، آثار معاصران است که کوشیده‌اند با بررسی و تمحّص در منابع قدیم و جدید و در مواردی، منابع غیرمعتبر، نام شهدای کربلا را جمع‌آوری کرده و با تهیه و تنظیم ترجمه و شرح حالی درباره آنان، آماری را ارائه کنند. هرچند برخی از نویسندگان گروه دوم، تلاش بسیاری برای ارائه فهرستی کامل و دقیق از شهدای کربلا کرده‌اند، اما به دلایلی که در بحث آمار اصحاب امام علیه السلام بیان شد، موفق به ارائه آمار کاملاً دقیق و حقیقی نشده، گرچه در این باره، توفیقات زیادی داشته‌اند. در این جا مناسب است که آمار شهدا در دو بخش، مطالعه و بررسی شود:

الف - مجموع شهدا (اعم از بنی‌هاشم و غیر آنان) ب - بنی‌هاشم.

الف) مجموع شهدا (اعم از بنی‌هاشم و غیر آنان)

گزارش‌های تاریخی منابع کهن در این باره نیز متفاوت است:

- ۱- مشهورترین گزارش در این باره، ۷۲ نفر^۱ است.
- ۲- فضیل بن زبیر (از اصحاب امام صادق و امام باقر علیه السلام) آمار شهدا را از آغاز تا پایان نهضت (حتی با احتساب مجروحانی که بعداً شهید شدند)، ۱۰۶ نفر (۲۰ نفر بنی‌هاشم و ۸۶ نفر اصحاب) نوشته است.^۲

۱. ابن سعد، ترجمه الحسین و مقتله، ص ۱۸۴؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۴۱۱؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۳۴۸؛ ابوعلی مسکویه رازی، تجارب الامم و تعاقب الهمم، ج ۲، ص ۷۳؛ طبرسی، تاج الموالید، ص ۳۱؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۴۴؛ ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۲۰۵.

۲. فضیل بن زبیر بن عمر بن درهم کوفی اسدی، «تسمیة من قتل مع الحسین علیه السلام»، تحقیق سید محمد رضا حسینی جلالی، فصلنامه تراث، شماره ۲، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۹-۱۵۶. البته طبق شماره‌گذاری محقق رساله فضیل، نام شهدا، ۱۰۷ نفر شده است. اما باید توجه داشت که وی (در شماره‌های ۸۱ و ۸۲) نام دو نفر به نام‌های کثیر بن عبدالله شعبی و مهاجر بن اوس را از یاران امام علیه السلام شمرده است، در حالی که آنان از سپاهیان دشمن بوده‌اند. احتمالاً در نسخه خطی، نام یکی از شهدا (به احتمال زیاد، زهیر بن قین) حذف شده است و در ادامه گزارش، نام قاتلان او، یعنی مهاجر و کثیر به عنوان یاران امام علیه السلام به حساب آمده‌اند.

۳- گزارش ابو مخنف از زحر بن قیس که تعداد شهدا (به جز امام حسین علیه السلام) را ۷۸ نفر گفته است.^۱ اما مورخان دیگر، طبق گزارش زحر، آمار شهدا را ۳۲، ۷۰، ۲^۲ (سواره)، ۷۷، ۸۲، ۵^۳ و ۸۸^۴ نوشته اند.

۴- بلخی (م ۳۲۲ ق) و مسعودی تعداد شهدا را ۸۷ نفر نگاشته اند.^۵

۵- گزارش محققان معاصر:

الف) علامه سید محسن امین، اسامی شهدای نهضت عاشورا (از آغاز تا پایان) را تا ۱۳۹ نفر نگاشته است.^۸

(۶۵)

این مطلب را قرآینی تأیید می کند: اول، آن که طبری در جریان شهادت زهر بن قین نوشته است: «فشده علیه کثیر بن عبدالله الشعبی و مهاجر بن اوس فقتله» (ج ۴، ص ۳۳۶). دوم، آن که در گزارش فضیل بن زبیر، نام زهر بن قین به چشم نمی خورد و تنها از شخصی به نام زهر بن سلیم یاد شده است که غیر از زهر بن قین است، چرا که زهر بن سلیم، آزدی و زهر بن قین، بعلجی است. سوم، آن که فضیل پیش از ذکر نام کثیر می نویسد: «و قتل من بجيلة...» که طبعاً چون زهر، بعلجی است، یکی از کشته ها او بوده است، اما نام او در فهرست اسامی وجود ندارد، لذا مناسب است نام او در فهرست آورده شود. افزون بر این، نام سلمان بن مضارب، به عنوان پسر عموی مهاجر بن اوس پس از نام او آورده شده است که این تنها با بودن نام زهر پیش از وی، صحیح است، چون سلمان پسر عموی زهر است (سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحديث، ج ۹، ص ۱۹۳) نه مهاجر، چرا که قین و مضارب، پدران زهر و سلمان، فرزندان قیس بودند و سلمان در سال ۶۰ ق با پسر عموی خود به مکه آمده بود و چون زهر به کاروان امام علیه السلام پیوست، او نیز جزء یاران امام علیه السلام قرار گرفت (سماوی، إحصاء النین فی انصار الحسین علیه السلام، ص ۱۶۹).

۱. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۴، ص ۳۵۱؛ دینوری، پیشین، ص ۲۶۰؛ شیخ مفید، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۸؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۸، ص ۴۴۵؛ ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۲۰۸؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۴، ص ۱۸۹؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ص ۱۹۳؛ میرخواند، تاریخ روضة الصفاء، ج ۵، ص ۲۲۷۰.

۲. ابن اعثم، همان، ج ۵، ص ۱۲۷. با توجه به آن که گزارش خوارزمی، همان گزارش ابن اعثم است و در گزارش وی به جای «ثلاثین»، «ثمانین» آمده است، به نظر می رسد، واژه «ثلاثین» در گزارش ابن اعثم، تصحیف «ثمانین» باشد، چرا که آمار ۳۲ نفری اصحاب امام حسین علیه السلام (که در گزارش ابن اعثم آمده است) به هیچ رو با آمارهای دیگر، سازگاری ندارد.

۳. سبط ابن جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۹۳.

۴. ابن عبد ربه، العقد الفريد، مطبعة اللجنة التألیف و الترجمة و النشر، ۱۳۶۵ ق، ج ۴، ص ۳۲۸.

۵. خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۶۲.

۶. ابن سعد، همان، ص ۱۹۰.

۷. ابوزید احمد بن سهل بلخی، البدء و التاريخ، ج ۲، ص ۲۴۱ و مسعودی، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ج ۳، ص ۷۲.

۸. سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۱۰-۶۱۲.

ب) شیخ محمد مهدی شمس الدین با بحث تحلیلی که در این باره ارائه کرده است، تعداد آنان را کمی بیش از ۱۰۰ نفر دانسته است.^۱

ج) شیخ ذبیح الله محلاتی این آمار را تا ۲۲۸ نفر (از آغاز تا پایان نهضت و حتی با احتساب شهادت عبدالله بن عقیف کندی در زمان حضور اسرا در کوفه) رسانده است.^۲ نویسندۀ دیگری گزارش شهادت ۱۸۲ نفر از شهدا را از آغاز تا پایان نهضت عاشورا نگاشته است.^۳

به هر تقدیر، قول ۷۲ نفر، با توجه به کهن بودن منابع آن و نیز شهرت آن، قابل پذیرش تر از اقوال دیگر است.

ب) بنی هاشم

گزارش منابع درباره آمار شهدای بنی هاشم، بسیار متفاوت است تا آن جا که از ۹ تا ۳۰ نفر نوشته اند. مشهورترین گزارش که در بسیاری از منابع منعکس شده، ۱۷ نفر است.^۴ برخی از این نقل ها در قالب روایت از ائمه علیهم السلام است.^۵

در کهن ترین نص تاریخی، آمار شهدای بنی هاشم (با احتساب مسلم بن عقیل و امام علیه السلام) ۲۰ نفر آمده است.^۶ آمارهای متعدّد دیگر در این باره چنین است: ۹ نفر،^۷

۱. شیخ مهدی شمس الدین، انصار الحسین علیه السلام، ص ۲۹ و ۵۲. اما او در صفحه ۵۴ می نویسد: تعداد یاران ۱۰۰ نفر بودند، کمی بیشتر یا کمتر از صد نفر.

۲. ذبیح الله محلاتی، فرسان الهیجا، ج ۲، ص ۱۵۴.

۳. غلامحسین زرگری نژاد، نهضت امام حسین علیه السلام و قیام کربلا، ص ۲۹۱-۳۸۶.

۴. ابن سعد، همان، ص ۱۹۶، ح ۳۰۵؛ خلیفه بن خیاط عصفری، تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۱۷۹؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۰۴ و ۱۱۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۳۳؛ همو، الامالی، مجلس ۸۷، ص ۶۹۴؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۱۶۲، ح ۲۶۸؛ عماد الدین طبری، بشارة المصطفی، ص ۴۲۶؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۵۳؛ اربلی، همان، ج ۲، ص ۲۶۷؛ ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۲۰۵. البته در بیشتر این منابع، بدون احتساب امام حسین علیه السلام، ۱۷ نفر می شود.

۵. همانند آن چه در کمال الدین شیخ صدوق و امالی شیخ طوسی نقل شده است.

۶. تسمیه من قتل مع الحسین علیه السلام، ص ۱۴۹-۱۵۱. هم چنین شیخ صدوق، الخصال، ص ۵۱۹، ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۷۹ و ابن ابی الحدید، همان، ج ۱۵، ص ۲۵۱ این آمار را (بدون احتساب مسلم بن عقیل) ذکر کرده اند.

۷. ابن ابی حاتم رازی، السیرة النبویه، ص ۵۸۸.

بیش از ۱۰ نفر، ۱۴^۱، ۱۵^۲، ۱۶^۳، ۱۸^۴، ۱۹^۵، ۲۱^۶، ۲۲^۷، ۲۳^۸، ۲۶^۹، ۲۷^{۱۰} (با احتساب امام علیه السلام و مسلم بن عقیل) و ۳۰ نفر.^{۱۲}

در مجموع، با توجه به شهرت گزارش ۱۷ نفر و قدمت و کثرت منابع آن، این قول قابل پذیرش تر است، به ویژه آن که - چنان که گذشت - این رقم در روایات ائمه علیهم السلام نیز آمده است.

۹- ترکیب قبیله ای سپاه امام حسین علیه السلام

از موضوعاتی که در حادثه کربلا قابل توجه و شایسته بحث و بررسی است، ترکیب

(۶۷)

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۲، ص ۲۹۳ (روایت عمّار دمنی از امام باقر علیه السلام)؛ ابن جوزی، المستظم، ج ۵، ص ۳۴۰؛ ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۳۰۴.
۲. ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۳۸؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۱، ص ۳۸۶؛ اربلی، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۱۴؛ مسعودی نیز زمان نام بردن از شهدای بنی هاشم، نام ۱۴ نفر را آورده است (مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳ ص ۷۲).
۳. نویری، همان، ج ۲۰، ص ۴۶۱-۴۶۲.
۴. خلیفة بن خیاط، همان، ص ۱۷۹؛ طبرانی، همان، ج ۳، ص ۱۱۸؛ ابن عبد ربّه اندلسی، العقد الفريد، ج ۴، ص ۳۵۸؛ علی بن محمد عمری، المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۵؛ ابن عساکر، همان، ص ۳۵۰؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۵۲؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۵ و ۱۴؛ ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۱۸۴ و ۲۰۵.
۵. ابن سعد، همان، ص ۱۹۰؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۸ و الامالی، مجلس ۲۷، ص ۱۹۲؛ طبرسی، تاج الموالید، ص ۳۲؛ ابن عساکر، همان، ص ۳۳۷؛ طبری، کامل بهائی (الکامل البهائی فی السیفه)، ج ۲، ص ۳۰۳.
۶. قاضی نعمان مغربی، دعائم الاسلام، ج ۳، ص ۱۶۸؛ ابن عساکر، همان، ص ۳۲۹؛ سبط ابن جوزی، همان، ص ۲۵۵-۲۵۶؛ ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۹۸.
۷. سبط ابن جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۸۱؛ ابن طلحه شافعی، کفایة الطالب، ص ۴۴۶-۴۴۷، رقم ۱۱۶۳۰؛ ابن حجر هیتمی، همان، ص ۱۹۸.
۸. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۶۲.
۹. محمد بن احمد دولابی، الذریة الطاهرة، ص ۹۷؛ ابن عبدالبر قرطبی، الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۸۱.
۱۰. هادی بن ابراهیم الوزير، نهاية التوبة فی اذحاق التوبة، ص ۱۲۸ و ۲۱۲. به نظر می رسد او قول حسن بصری را که ۱۶ نفر (سته عشر) باشد، ۲۶ نفر (سته و عشرون) به حساب آورده است.
۱۱. خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۵۳؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۲۲، اما او در شمارش تفصیلی نام افراد، از ۳۰ نفر نام برده است. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۲-۶۳.
۱۲. محمد بن حسن طوسی، مصباح المنهجد، ص ۷۸۲؛ محمد بن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۴۷۴؛ مجلسی، همان، ج ۴۵، ص ۶۳ و ج ۹۸، ص ۳۰۴؛ محمد تقی سپهر، ناسخ التواریخ (در احوالات سید الشهداء علیه السلام)، ج ۳، ص ۱۷؛ سید محسن ابنی، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۱۰؛ رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۱۲۲.

قبیله‌ای یاران امام حسین علیه السلام است که حاکی از تنوع پیروان و علاقه‌مندان امام علیه السلام از قبایل مختلف می‌باشد و نیز نشان می‌دهد که بیشترین آنان به‌طور نسبی از کدام قبیله بوده‌اند. برخی مورخان متقدم و محققان معاصر، گزارش‌هایی درباره ترکیب قبیله‌ای اصحاب امام علیه السلام نگاشته‌اند. فضیل بن زبیر، آمار ذیل را درباره ترکیب قبیله‌ای شهدا آورده است:

بنی هاشم: ۲۰ نفر (با احتساب امام علیه السلام و مسلم بن عقیل)، بنی اسد بن خزیمه: ۵ نفر، بنی غفار بن ملیل بن ضمیره: ۳ نفر، بنی تمیم: ۲ نفر، بنی سعد بن بکر: ۱ نفر، بنی تغلب: ۴ نفر، قیس بن ثعلبه: ۲ نفر، عبدالقیس از بصره: ۷ نفر، انصار: ۶ نفر، بنی حارث بن کعب: ۱ نفر، بنی خثعم: ۸ نفر، طئ: ۲ نفر، مراد: ۳ نفر، بنی شیبان بن ثعلبه: ۱ نفر، بنی حنیفه: ۱ نفر، جواب (جوان): ۲ نفر، صیدا: ۲ نفر، کلب: ۲ نفر، کنده: ۳ نفر، بجیلہ: ۴ نفر، جُھینہ: ۳ نفر، آزد: ۴ نفر، همدان: ۱۰ نفر، خَضْرَمُوت: ۱ نفر.^۲

یکی از محققان معاصر، فهرستی ۱۱۲ نفره^۳ از ترکیب قبیله‌ای شهدای بنی هاشم و غیر آنان از آغاز نهضت به شرح ذیل آورده است:

هاشمیان و موالی آنان (با احتساب مسلم بن عقیل): ۲۶ نفر، اسدیان: ۷ نفر، همدانیان: ۱۴ نفر، مدحجیان: ۸ نفر، انصار: ۷ نفر، بجلیان و خثعمیان: ۴ نفر، کنده: ۵ نفر، غفاریان: ۳ نفر، کلییان: ۳ نفر، آزدیان: ۷ نفر، عبدیان: ۷ نفر، تیممیان: ۷ نفر، طائی‌ها: ۲ نفر، تغلبیان: ۵ نفر، جُھتیان: ۳ نفر، تمیمیان: ۲ نفر، افراد متفرقه: ۳ نفر.^۴

۱. در این جا فضیل، نام پنج نفر را از بجیلہ گفته است، اما چنان که گفته شد، دو نفر از آنان، یعنی کثیر بن عبدالله و مهاجر بن اوس، از فرماندهان و سپاهیان دشمن هستند، و ری اشتباهاً به جای نام زهیر، نام دو نفر یاد شده را نوشته است که مجموعاً پنج نفر شده است. بنابراین اگر به جای این دو نفر، زهیر لحاظ شود، با پسر عمویش سلمان، چهار نفر از بجیلہ، خواهد بود.

۲. همان، ص ۱۵۲-۱۵۶، حمید بن احمد مُخَلّی (م ۶۵۲ ق) همین گزارش را با اندکی تفاوت، نقل کرده است (الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیة، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۲).

۳. محمد سماوی، رِیاض العین فی انصار الحسن علیه السلام، ص ۲۲۹. اما چنان که آمار ارائه شده نشان می‌دهد، سماوی ۱۱۳ نفر را گزارش کرده است که یک نفر اضافی با احتساب خود امام علیه السلام است.

۴. همان، ص ۴۹ به بعد.

۱۰- شهیدان در حمله اول

بسیاری از منابع، به آمار کشته‌های لشکر امام علیه السلام در حمله نخستین سپاه دشمن نپرداخته‌اند، اما برخی مآخذ، تعداد شهدای یورش نخست سپاه دشمن را بر یاران امام علیه السلام بیش از ۵۰ نفر نوشته‌اند.^۱

۱۱- آمار اسب تازندگان بر بدن امام علیه السلام

برخی منابع، تنها به جریان اسب تازاندن بر بدن مطهر امام علیه السلام اشاره داشته و تعداد افراد آن را بیان نکرده‌اند،^۲ اما بسیاری از آن‌ها تعداد ۱۰ نفر را نوشته‌اند.^۳

۱۲- زخم‌های بدن امام علیه السلام

مورخان تعداد زخم‌ها و جراحاتی را که بر پیکر پاک امام علیه السلام وارد شده است، گوناگون نوشته‌اند.

۱- از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فرمود: تعداد زخم‌های امام علیه السلام ۳۳ زخم نیزه و ۳۴ ضربه شمشیر بوده است^۴ و در روایت دیگری از ایشان، ۳۳ زخم نیزه و ۴۴ زخم شمشیر و تیر^۵ و باز در روایت دیگری از آن حضرت بیش از هفتاد ضربه شمشیر^۶ نقل شده است.

۱. خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۱۱.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۷۳.

۳. بلاذری، همان، ج ۳، ص ۴۱۰؛ طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۴، ص ۳۴۷؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۳؛ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۷۰؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۴۴؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۲۱؛ سید ابن طاووس، همان، ص ۷۹؛ ابن نما، همان، ص ۵۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۹.

۴. طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۴، ص ۳۴۶؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۴۲؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۲۰؛ ابن نما، همان، ص ۵۸؛ سید ابن طاووس، همان، ص ۷۶؛ حمید بن احمد مَحَلّی، همان، ج ۱، ص ۲۱۲. بلاذری و مسعودی نیز (بدون ذکر قائل آن) همین تعداد را نوشته‌اند (بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۴۰۹ و مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۷۳).

۵. قاضی نعمان مغربی، همان، ج ۳، ص ۱۶۴؛ طبری، دلائل الامامة، ص ۱۷۸. در نقل طبری، ۳۳ زخم نیزه و ۴۴ زخم شمشیر آمده است.

۶. شیخ طوسی، الامالی، ص ۶۷۷، ج ۱۰.

- ۲- در روایتی از امام باقر علیه السلام تعداد جراحات وارده بیش از ۳۲۰ و در خبر دیگری، ۶۳ ضربه شمشیر یا نیزه و یا تیر نقل شده است.^۲
- ۳- در روایتی از امام سجاد علیه السلام تعداد جراحات ۴۰ ضربه شمشیر و زخم نیزه نقل شده است.^۳
- ۴- برخی منابع بیش از ۱۱۰ پارگی در اثر اصابت تیر، نیزه و ضربه شمشیر در بدن یا لباس حضرت نوشته اند.^۴
- ۵- منابعی، ۱۲۰ ضربه شمشیر، تیر و سنگ را نیز نوشته اند.^۵
- ۶- ابن سعد ۳۳ زخم نوشته است.^۶
- ۷- علی بن محمد عمری و ابن عنبه (م ۸۲۸ ق) ۷۰ زخم^۷ و سید ابن طاووس، ۷۲ زخم^۸ نوشته اند.

چنان که ملاحظه می شود گزارش ها در این مورد، آن قدر متعدد و متفاوت است که به سهولت نمی توان یکی را ترجیح داد، حتی بین برخی از آن ها نمی توان جمع کرد، با وجود این، به نظر می رسد که تعداد جراحات، بیش از ۱۰۰ زخم بوده است. گزارش هایی که می گوید آن قدر تیر بر بدن امام علیه السلام اصابت کرده بود که بدنش پوشیده از تیر شده بود، مؤید همین قول است.^۹

مرکز تحقیقات پیور علوم اسلامی

۱. شیخ صدوق، الامالی، مجلس ۳۱، ج ۱، ص ۲۲۸؛ فتال نیشابوری، همان، ص ۱۸۹؛ طبرسی، تاج الموالید، ص ۳۱؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۲۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۲؛ ابن شهر آشوب اقوال دیگری نیز آورده است: ۱- ۳۶۰ زخم؛ ۲- ۱۹۰ زخم؛ ۳- ۳۳ ضربه شمشیر به جز تیرها. (همان، ص ۱۲۰).
۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۵۲، ج ۹ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۹۲، ج ۳۶.
۳. قاضی نعمان مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۴.
۴. قاضی نعمان، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۶۴؛ طبرسی، دلائل الامامة، ص ۱۷۸؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۴۲؛ ابوالفرج عبدالرحمن بن جوزی، الرد علی المتعصب العنید، ص ۳۹؛ ابن نما، همان، ص ۵۷-۵۸؛ حمید بن احمد مَحَلّی، همان، ج ۱، ص ۲۱۳. مشابه این خبر را ابن سعد نیز آورده است (همان، ص ۱۸۴).
۵. مَحَلّی، همان، ج ۱، ص ۲۱۳.
۶. همان، ص ۱۸۴؛ ابن نما، همان، ص ۵۷-۵۸؛ قاضی نعمان، مشابه این خبر را آورده است (همان، ج ۳، ص ۱۶۴).
۷. محمد بن علی عمری، المعجذی فی انساب الطالبین، ص ۱۳؛ جمال الدین احمد بن علی حسینی، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۱۹۲.
۸. سید بن طاووس، همان، ص ۷۱.
۹. طبرسی، اعلام الوری، بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۶۹ و ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۲۰.

برخی نویسندگان معاصر از حضور ۳ خانواده در کربلا خبر داده‌اند:^۱
 ۱- جنادة بن كعب بن حارث (حارث) سلمانی انصاری،^۲ عبدالله بن عمیر
 کلبی،^۳ مسلم بن عوسجه.
 بررسی این موضوع نشان می‌دهد که سند معتبری مبنی بر حضور خانواده مسلم
 بن عوسجه وجود ندارد. البته برخی منابع تنها حضور کنیز او را گزارش کرده‌اند^۴ که
 محتمل است «ام‌ولد» بوده باشد، نه زن آزاد.

۱۴- اصحاب شهید

در میان یاران امام حسین (علیه السلام) چند نفر از اصحاب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده‌اند. این امر،
 شاهد دیگری بر حقانیت و قداست بالای آن حضرت در جامعه آن روز است. اما
 گزارش مورخان درباره تعداد آن‌ها متفاوت است. فضیل بن زبیر ۶ نفر^۵ و مسعودی،
 ۴ نفر^۶ از شهدا را از انصار و اصحاب دانسته‌اند.
 اما برخی نویسندگان معاصر،^۷ از ۵ نفر دیگر، یعنی: ۱- انس بن حارث کاهلی،^۸
 ۲- حبیب بن مظاهر،^۹ ۳- مسلم بن عوسجه اسدی،^{۱۰} ۴- هانی بن عروه مرادی^{۱۱} و
 ۵- عبدالله بن بقطر^{۱۲} نام برده‌اند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. محمد بن طاهر سماوی، إنبصار العین فی أنصار الحسین (علیه السلام)، ص ۲۲۰-۲۲۱.
۲. خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۲۵.
۳. طبری، همان، ج ۴، ص ۳۳۴.
۴. همان، ص ۳۳۲؛ خوارزمی، همان، ج ۱، ص ۱۹ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۰.
۵. فضیل بن زبیر، «تسمیة من قتل مع الحسین» تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی، فصلنامه قرائن، شماره ۲، ص ۱۵۳-۱۵۴.
۶. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۷۲.
۷. سماوی، همان، ص ۲۲۱.
۸. فضیل بن زبیر، همان، ص ۱۵۲؛ شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۲۱؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۱، ص ۱۸۴؛ محب الدین احمد بن عبدالله الطبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص ۱۴۶.
۹. ابن حجر، تبصیر المستب، ج ۴، ص ۱۲۹۶.
۱۰. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۱۴.
۱۱. ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تسمیة الصحابة، ج ۶، ص ۴۴۵؛ ش ۹۰۵۱؛ غیاث الدین بن همام الدین حسینی (خواند میر)، تاریخ حبیب المیر فی اخبار افراد بشر، ج ۲، ص ۴۳ و مامقانی، همان، ج ۳، ص ۲۸۸.
۱۲. ابن حجر، همان، ج ۵، ص ۸. البته ابن حجر تصریح به صحابی بودن وی نکرده است. بلکه «عنه»

۱۵- سرهای بریده شهدا

درباره تعداد سرهای مطهر شهدای کربلا که توسط سپاه عمر سعد از پیکرهای شان جدا شد، منابع تاریخی یکسان سخن نگفته اند:

۱- بلاذری، دینوری، طبری، شیخ مفید^۱، خوارزمی و ابن نما، آمار سرها را ۷۲ سر (به جز سر امام^{علیه السلام}) نوشته اند.^۱

۲- دینوری در گزارش مربوط به توزیع سرها بین قبایل، ۷۵ سر و بلاذری به نقل از ابومخنف ۸۲ سر نگاشته است.^۲

۳- سبط ابن جوزی به نقل از هشام کلبی، ۹۲ سر نوشته است.^۳

۴- سید ابن طاووس و محمد بن ابی طالب موسوی ۷۸ سر گزارش کرده اند.^۴

۵- طبری و ابن شهر آشوب به نقل از ابومخنف و ابن صباغ مالکی تعداد سرهایی را که نزد عبیدالله برده شده است، ۷۰ سر گزارش کرده اند.^۵ به نظر می رسد قول نخست به لحاظ قدمت فائز آن، از اعتبار بیشتری برخوردار باشد.

گفته است که عبدالله همزاد حسین بن علی بوده است که طبیعتاً او باید پیامبر^{صلی الله علیه و آله} را در کودکی درک کرده باشد.

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۴، ص ۳۲۹؛ بلاذری، همان، ج ۲، ص ۴۱۲؛ دینوری، همان، ص ۲۵۹؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۳؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۴۵؛ ابن نما، همان، ص ۶۵، البته طبری در صفحه ۳۴۸ و خوارزمی در صفحه ۴۴ به جدا کردن سر امام^{علیه السلام} اشاره کرده اند و سپس هر دو در صفحه بعد می نویسند که سرهای بقیه شهدا قطع شد که طبعاً مراد از بقیه، غیر از سر امام^{علیه السلام} است و بنابراین با احتساب سر امام^{علیه السلام} مجموع سرها، ۷۳ سر می شود. هم چنان که عبارات دینوری، شیخ مفید و ابن نما نیز مؤید آمار ۷۳ سر هست.

۲. بلاذری، همان، ج ۳، ص ۴۱۲؛ دینوری، همان، ص ۲۵۹. به نظر می رسد گزارش بلاذری همان گزارش طبری از ابومخنف باشد، اما چون او به جای شش سر که مذحج حامل آنها بودند، شانزده سر و به جای هفت سر که سایر سپاه حمل کرده اند، نه سر، گزارش کرده است، آمار گزارش وی، ۱۲ سر بیشتر از گزارش طبری شده است.

۳. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۲۵۶. البته در تحقیق جدید این کتاب، به جای واژه «تسعون»، «سیعون» آمده است که در این صورت، همان قول مشهور ۷۲ سر می شود (همان، ج ۲، ص ۱۸۲). وی در جای دیگر، بیش از ۷۰ سر نوشته است (همان، ج ۲، ص ۱۸۹).

۴. سید ابن طاووس، همان، ص ۸۵؛ نسلیة المجالس و زینة المجالس، ج ۲، ص ۳۳۱ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۲.

۵. طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۴، ص ۳۵۸؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۲۱ و ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ص ۱۹۸.

(۷۲)

تاریخ در ایام بهار و فصل اسفند سوم، شماره دوم، تابستان (۱۳۹۵)

۱۶- موالی شهید

فضیل بن زبیر، شهیدای موالی امام حسین علیه السلام را ۳ نفر^۱ و ابن سعد و طبری ۲ نفر نوشته‌اند.^۲ فضیل ۱ نفر را نیز به عنوان غلام حمزة بن عبدالمطلب از شهدا نوشته است.^۳ ابن شهر آشوب در این باره می‌نویسد: ۱۰ نفر از موالی حسین علیه السلام و ۲ نفر از موالی امیرالمؤمنین علیه السلام در کربلا شهید شدند.^۴ یکی از محققان، تعداد موالی شهید را ۱۵ نفر نوشته است.^۵

۱۷- مجروحان سپاه امام علیه السلام

الف - تنها مجروحی که جان سالم بدر برد. به گفته مورخان، تنها مجروحی که از معركة کربلا جان سالم بدر برد، حسن بن حسن بن علی علیه السلام (حسن مُثنی) بود.^۶
ب - مجروحانی که بعدها شهید شدند. افرادی که در حادثه عاشورا مجروح شدند و سپس شهید شدند، سه نفر بودند: ۱- سوار بن حمیر جابری،^۷ ۲- عمرو بن عبدالله همدانی جُندعی^۸ و ۳- مُرقع بن ثامه اسدی.^۹

۱۸- اسرا و بازماندگان

ابن سعد آمار بازماندگان اعم از کوچک و بزرگ را ۵ نفر^{۱۰} و دینوری ۴ نفر نوشته

۱. فضیل بن زبیر، همان، ص ۱۵۲.

۲. ابن سعد، همان، ص ۱۸۶ و طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۳۵۹.

۳. فضیل بن زبیر، همان.

۴. ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ۱۲۲.

۵. سماوی، همان، ص ۲۲۱-۲۲۲.

۶. فضیل بن زبیر، همان، ص ۱۵۰؛ ابن سعد، همان، ص ۱۸۶؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۳۵۹؛

ابن حبان، الثقات، ج ۲، ص ۳۱۰؛ ابوالفروج اصفهانی، همان، ص ۷۹؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۲۲. وی می‌گوید که دست او قطع شده بود.

۷. فضیل بن زبیر، همان، ص ۱۵۶ و محلی. الحقائق الوردیه، ج ۱، ص ۲۱۲.

۸. فضیل بن زبیر، همان و محلی. همان.

۹. بلاذری. انساب الاشراف، ج ۱۱، ص ۱۸۳ (وی نام او را مرقع بن قمامه بن خویلد نوشته است). ابن

کثیر، همان، ج ۸، ص ۲۰۵ (ابن کثیر مرقع بن یمانه ضبط کرده است) اما طبری (همان، ج ۴، ص ۳۴۷) و

بلاذری در جای دیگر (همان، ج ۳، ص ۴۱۱) و دینوری (الاخبار الطوال، ص ۲۵۹) می‌نویسند که مرقع با امان گرفتن یکی از افراد قبیله‌اش به آنان پیرست و ابن زیاد او را به زاره تبعید کرد، اما به شهادت او اشاره نکرده‌اند.

۱۰. ابن سعد، همان، ص ۱۸۶-۱۸۷.

است که ۲ نفر آنان از بنی هاشم بودند.^۱ ابن قتیبه و ابن عبد ربه از قول محمد بن حسین رضی الله عنه نقل می کنند که ما اسرا ۱۲ نفر بودیم.^۲ اما قاضی نعمان مغربی، ۱۴ نفر نوشته است که ۴ نفر از آنان زن بوده اند.^۳ در این جا مناسب است آمار مردان و زنان جداگانه آورده شود.

الف) مردان

جست و جو و بررسی منابع کهن حاکی از آن است که بازماندگان مرد از حادثه کربلا افراد ذیل بوده اند:

- ۱- امام سجاد رضی الله عنه، ۲- حضرت باقر رضی الله عنه، ۳- عمر بن حسین رضی الله عنه، ۴- محمد بن حسین بن علی رضی الله عنه، ۵- زید بن حسن، ۶- عمرو بن حسن، ۷- محمد بن عمرو بن حسن، ۸- و ۹- دو فرزند جعفر، ۱۰- عبدالله بن عباس بن علی رضی الله عنه، ۱۱- قاسم بن عبدالله بن جعفر، ۱۲- قاسم بن محمد بن جعفر، ۱۳- محمد بن عقیل اصغر،^{۱۳}

۱. دینوری، الأخبار الطوال، ص ۲۵۹.
۲. ابن قتیبه، الامامة و السیاسة، ج ۲، ص ۱۲ و نزدیک به این گزارش رک: ابن عبد ربه، العقد الفريد، ج ۴، ص ۳۸۵ و محمد بن احمد باعونی. جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب، ج ۲، ص ۲۸۷.
۳. قاضی نعمان، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۹۶-۱۹۹.
۴. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۵۹ و ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۲۱۲.
۵. بلاذری، همان، ج ۳، ص ۴۱۱ و ابن عبد ربه اندلسی، العقد الفريد، ج ۴، ص ۳۶۰.
۶. ابوالفرج اصفهانی، همان، ص ۷۹ و سید ابن طاووس، همان، ص ۸۶.
۷. ابن سعد، همان، ص ۱۸۶؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۳۵۳ و ۳۵۹؛ ابن حبان، همان، ج ۲، ص ۳۱۰؛ ابوالفرج اصفهانی، همان، ص ۷۹ (وی به جای عمرو، عمر نوشته است)؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۴۱؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۵، ص ۴۸۴ (ذیل ترجمه عمرو بن حسن)؛ سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۲، ص ۱۷۸ (وی نیز عمر بن حسن نوشته است)؛ سید ابن طاووس، همان، ص ۸۶. اما شیخ مفید رضی الله عنه، او را جزء شهدا دانسته است (الارشاد، ج ۲، ص ۲۶).
۸. فضیل بن زبیر، همان، ص ۱۵۰ و ۱۵۷؛ ابوالصلاح حلبی، تفریب المعارف، ص ۲۵۲ (وی به جای عمرو، عمر نوشته است)؛ ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۲۰۵. اما ابن عساکر، تنها عمرو بن حسن رضی الله عنه پدر محمد را جزء اسرا دانسته است و معتقد است که محمد آن زمان به دنیا نیامده بود (تاریخ مدینة دمشق، ج ۵۵، ص ۱۵).
۹. ابن قتیبه دینوری، الامامة و السیاسة، ج ۲، ص ۸.
۱۰. قاضی نعمان مغربی، همان، ج ۳، ص ۱۹۸.
۱۱. ابن سعد، همان، ص ۱۸۷ و ذهبی، همان، ج ۳، ص ۳۰۳.
۱۲. قاضی نعمان مغربی، همان، ج ۳، ص ۱۹۷.
۱۳. ابن سعد، همان؛ ابن عساکر، همان، ج ۵۴، ص ۲۲۶ و ذهبی، همان، ج ۳، ص ۳۰۳.

- ۱۴- عقبه بن سمعان، غلام زباب،^۱ ۱۵- غلام عبدالرحمن بن عبد ربه انصاری،^۲
 ۱۶- مسلم بن رباح غلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) و^۳ ۱۷- علی بن عثمان مغربی.^۴

(ب) زنان

ابن سعد تعداد زنان اهل بیت را که اسیر شدند ۶ نفر،^۵ قاضی نعمان مغربی ۴ نفر^۶ و ابوالفرج اصفهانی ۳ نفر دانسته است.^۷ نام این زنان عبارت است از:
 ۱- زینب،^۸ ۲- فاطمه،^۹ ۳- ام کلثوم،^{۱۰} ۴- ام حسن^{۱۱} (دختران امیرالمؤمنین (علیه السلام)؛
 ۵- فاطمه،^{۱۲} ۶- سکینه،^{۱۳} ۷- فاطمه صغری^{۱۴} (دختران حسین بن علی (علیه السلام)؛
 ۸- زباب^{۱۵} (همسر امام (علیه السلام) و مادر سکینه و عبدالله رضیع) و ۹- ام محمد^{۱۶} (دختر امام حسن بن علی (علیه السلام) و همسر امام سجاد (علیه السلام)).

۱۹- زنانی که به گونه ای با نهضت امام (علیه السلام) همکاری داشتند

اینان ۴ زن بودند: ۱- ماریه^{۱۷} (دختر سعد یا منقذ عبديه که منزلش محل تجمع

۱. بلاذری، همان، ج ۳، ص ۴۱۱؛ دینوری، همان، ص ۲۵۹ و طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۴، ص ۳۴۷.
۲. طبری، همان، ج ۴، ص ۳۲۱.
۳. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۲۳.
۴. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۴۶.
۵. ابن سعد، همان، ص ۱۸۷ و ذهبی، همان، ج ۳، ص ۳۰۳.
۶. قاضی نعمان، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۹۸-۱۹۹.
۷. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۷۹.
۸. ابن سعد، همان، ص ۱۸۷؛ ابوالفرج اصفهانی، همان، ص ۷۹ و شیخ صدوق، الامالی، مجلس ۳۱، ص ۲۲۹.
۹. ابن سعد، همان و شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۳۱.
۱۰. ابوالفرج اصفهانی، همان، ص ۷۹ و قاضی نعمان مغربی، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۹۸.
۱۱. قاضی نعمان مغربی، همان، ج ۳، ص ۱۹۸.
۱۲. ابن سعد، همان، ص ۱۸۷؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۰۴؛ قاضی نعمان مغربی، همان، ص ۱۹۸ و شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۲۸.
۱۳. ابن سعد، همان؛ ابوالفرج اصفهانی، همان، ص ۷۹؛ طبرانی، همان، ص ۱۰۴؛ قاضی نعمان مغربی، همان، ص ۱۹۹ و شیخ صدوق، همان، ص ۲۳۰.
۱۴. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۷؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۱۰۵؛ ابن نما، همان، ص ۶۷ و سید ابن طاووس، همان، ص ۸۸.
۱۵. ابن سعد، همان، ص ۱۸۷.
۱۶. همان.
۱۷. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۴، ص ۲۶۳.

گروهی از شیعیان بصره بود)، ۲- طوعه^۱ (کنیز اشعث بن قیس که مسلم را زمانی که در کوچه های کوفه تنها مانده بود، به خانه اش پناه داد)، ۳- دیلم^۲ یا دلهم^۳ (همسر زهیر بن قین که همسر خود را تشویق به پیوستن به سپاه امام حسین (ع) کرد) و ۴- زنی از کوفیان که لباس و مقنعه برای اسرای اهل بیت فراهم کرد.^۴

۲۰- زنان معترض

با بررسی هایی که صورت گرفت، در مجموع ۵ زن در جریان نهضت عاشورا به عملکرد سپاه یزید اعتراض کردند:

۱- ام عبدالله^۵ (دختر حرّ بدیّ کنندی، همسر مالک بن نَسیر)، ۲- دختر عبدالله بن عقیف کنندی، ۳- زنی از قبیله بنی بکر بن وائل، ۴- نواری^۶ (همسر یا دختر کعب بن جابر بن عمرو ازدی)، ۵- نواری^۷ (دختر مالک بن عقبرب حضرمی، همسر خولی).

۲۱- مدت اقامت و عزاداری اهل بیت (ع) در شام

چنان که نگاشتیم، گزارش های تاریخی درباره مدت اقامت اهل بیت (ع) و نیز مدت

۱. همان، ص ۲۷۷-۲۷۸.

۲. بلاذری، همان، ج ۳، ص ۳۷۸-۳۷۹.

۳. طبری، همان، ج ۴، ص ۲۹۸.

۴. ابن نما، همان، ص ۶۶؛ سید ابن طاووس، همان، ص ۱۹۰ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۰۸.

۵. طبری، همان، ج ۴، ص ۳۴۲؛ ابن نما، همان، ص ۵۷. اعتراض او به این سبب بود که شوهرش جبه کلاه دار (= بُرُنُس) متعلق به امام (ع) را غارت کرده بود.

۶. ابن نما، همان، ص ۷۳؛ سید ابن طاووس، همان، ص ۲۰۵ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۰. او زمانی که پدرش در محاصره عوامل ابن زیاد بود، به دفاع از او پرداخت.

۷. ابن نما، همان، ص ۵۸ و سید ابن طاووس، ص ۱۸۰. هنگامی که لشکر عمر سعد مشغول غارت خیمه ها شدند، او به این کار اعتراض کرد.

۸. طبری، همان، ج ۴، ص ۳۲۹. او به همراهی شوهرش با لشکر عمر سعد در مقابله با امام حسین (ع) و کشتن بریر بن خضیر اعتراض کرد.

۹. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۴۱۱؛ طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۴، ص ۳۴۸؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۱۱۴؛ ابن نما، همان، ص ۶۶-۶۵ و ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۲۰۶. او به آوردن شوهرش سر امام حسین (ع) را به خانه اش و اظهار شادی شوهرش از این که چیزی به خانه آورده است که در آن بی نیازی از روزگار است، اعتراض کرد.

عزاداری آنان در شام، متفاوت است. برخی همانند ابن اعثم، شیخ مفید و به پیروی از او شیخ طبرسی با تعبیر سر بسته از مدت زمان اقامت اسرای کربلا سخن گفته اند: «و اقاموا ایاماً»^۱ یا «فأقاموا آیاماً»^۲ اما برخی نیز به مدت اقامت یا عزاداری اهل بیت علیهم السلام در شام تصریح کرده اند: ابن سعد، طبری، خوارزمی (به نقل از ابومخنف)، ابن عساکر، سبط ابن جوزی، ابن کثیر و مجلسی مدت برپایی عزاداری در شام توسط اهل بیت علیهم السلام و زنان خاندان معاویه را ۳ روز می دانند.^۳ قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ ق) مدت اقامت اهل بیت علیهم السلام را در شام ۴۵ روز نوشته است.^۴

سید ابن طاووس (م ۶۶۴ ق) مدت اقامت اهل بیت علیهم السلام را در زندان دمشق به مدت یک ماه پذیرفته است.^۵ عمادالدین طبری (زنده تا ۷۰۱ ق) و مجلسی (در جای دیگر) می نویسند: اهل بیت علیهم السلام ۷ روز عزاداری کردند. مجلسی می افزاید که روز هشتم، یزید آنان را خواست و بعد از استمالت و دلجویی از آنان، ترتیب بازگشت شان را به مدینه فراهم کرد.^۶ در جمع بندی این چند گزارش باید گفت که گزارش های اقامت یک ماه و نیز ۴۵ روز از قوت چندانی برخوردار نیست، چون قائلان به آن متفرد هستند، اما وجه جمع بین عزاداری سه روز زنان خاندان معاویه و سوگواری ۷ روز اهل بیت علیهم السلام این است که چون زنان خاندان معاویه عزاداری اهل بیت را مشاهده کرده و به حقانیت آنان پی بردند، از روز پنجم با آنان هم سو شدند و آنان نیز مشغول عزاداری شدند. بنابراین، در مجموع می توان نتیجه گرفت که اهل بیت علیهم السلام از آغاز ورود به شام در نهایت بیش از ۱۰ روز در شام اقامت نداشتند.

۱. ابن اعثم، کتاب الفتح، ج ۵، ص ۱۲۲.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۲۲ و طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۷۵.

۳. محمد بن سعد، همان، ص ۱۹۲؛ طبری، همان، ج ۴، ص ۳۵۳؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۸۱؛ ابن عساکر، ترجمة الامام الحسين عليه السلام، ص ۳۳۸؛ سبط ابن جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۹۹؛ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۲۱۲ و محمد باقر مجلسی، جلاء العیون، ص ۴۰۵.

۴. ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی مغربی، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، ج ۳، ص ۲۶۹.

۵. سید بن طاووس، الاقبال بالأعمال، ج ۳، ص ۱۰۱.

۶. طبری، کامل بهائی (الکامل البهائی فی السقیفه)، ج ۲، ص ۳۰۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۶ و همو، جلاء العیون، ص ۴۰۹.

۲۲- روز شمار حوادث نهضت عاشورا

۱۵ رجب: مرگ معاویه^۱

۲۸ رجب سال ۶۰ (شب یکشنبه): خروج امام حسین علیه السلام از مدینه.^۲

۳ شعبان (شب جمعه): ورود امام علیه السلام به مکه.^۳

۱۰ رمضان: رسیدن نخستین نامه‌های کوفیان توسط عبدالله بن مسّمع همدانی و عبدالله بن وال به امام علیه السلام.^۴

۱۲ رمضان: رسیدن ۱۵۰ نامه از کوفیان به امام علیه السلام توسط قیس بن مُشهر صیداوی، عبدالرحمن بن عبدالله ارحبی و عماره بن عبد سلولی.^۵

۱۴ رمضان: وصول نامه سران و مردم کوفه به امام علیه السلام توسط هانی بن هانی سبّعی و سعید بن عبدالله حنفی.^۶

۱۵ رمضان: خروج مسلم از مکه به سوی کوفه برای انجام مأموریت.^۷

۵ شوال: ورود مسلم به کوفه.^۸

۸ ذیحجه (سه‌شنبه): خروج امام حسین علیه السلام از مکه.^۹

(۷۸)

تاریخ در ایام نهضت عاشورا (سال سوم، شماره دوم، تابستان ۸۵)

۱. ابن سعد، همان، ص ۱۶۴؛ بلاذری، همان، ج ۳، ص ۳۶۸ و طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۴، ص ۲۴۰-۲۳۹ و ۲۵۰ (او تاریخ‌های دیگری را نیز ذکر کرده است) و شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۲.
۲. طبری، همان، ج ۴، ص ۲۵۲ و ۲۸۶؛ بلاذری، همان، ج ۳، ص ۳۷۱؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴؛ محمد بن فکال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۷۲ و ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۸، ص ۱۷۱.
۳. طبری، همان، ج ۴، ص ۲۸۶؛ بلاذری، همان، ج ۳، ص ۳۷۱؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۵؛ خوارزمی، همان، ج ۱، ص ۲۷۳؛ ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۱۷۱. اما ابن اعثم، خوارزمی، ابن نما و سید ابن طاووس، به اشتباه این تاریخ را زمان خروج امام حسین علیه السلام از مدینه دانسته‌اند (کتاب الفتوح، ج ۵، ص ۲۲؛ مقتل الحسن علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳؛ مثير الاحران، ص ۱۵ و الملهوف، ص ۲۱).
۴. طبری، همان، ج ۴، ص ۲۶۲؛ بلاذری، همان، ج ۳، ص ۳۷۰ و شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۳۷.
۵. طبری، همان، ج ۴، ص ۲۶۲؛ بلاذری، همان، ج ۳، ص ۳۷۰ و شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۳۷-۳۸.
۶. طبری، همان، ج ۴، ص ۲۶۲ و شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۳۸.
۷. مسعودی، همان، ج ۳، ص ۶۵.
۸. همان.
۹. طبری، همان، ج ۴، ص ۲۸۶؛ بلاذری، همان، ج ۳، ص ۳۷۱؛ شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۶۶؛ سبط ابن جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۸؛ محمد بن طلحه شافعی، همان، ج ۲، ص ۷۳. اما ابن سعد (همان، ص ۱۷۰) و ابن عساکر (ترجمة الامام الحسن علیه السلام، ص ۲۹۹) روز دهم و سبط ابن جوزی در جای دیگر (همان، ج ۲، ص ۱۴۸)

- ۸ ذیحجه: قیام مسلم بن عقیل در کوفه.^۱
- ۹ ذیحجه: شهادت حضرت مسلم.^۲
- ۲ محرم: ورود امام علیه السلام به کربلا.^۳
- ۳ محرم: ورود عمر سعد به کربلا با سپاه چهار هزار نفری.^۴
- ۶ محرم: یاری خواستن حبیب بن مظاهر از قبیله بنی اسد برای یاری امام حسین علیه السلام و ناکامی او در این مأموریت.^۵
- ۷ محرم: بستن آب بر روی امام حسین علیه السلام و یارانش.^۶
- ۹ محرم: تاسوعا و ورود شمر به کربلا.^۷
- ۹ محرم: اعلام جنگ لشکر عمر سعد به امام علیه السلام و مهلت خواستن حضرت از عمر سعد.^۸
- ۱۰ محرم: واقعه عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام و یارانش.
- ۱۱ محرم: حرکت اسرا به سوی کوفه.^۹

علیه السلام ص ۱۴۰ و ۱۴۴) روز هفتم و ملاحسین واعظ کاشفی (دوۃ الشهداء، ص ۳۱۴) روز سوم ذی الحجه را روز خروج امام علیه السلام از مکه دانسته اند که درست به نظر نمی رسد.

۱. طبری، همان، ج ۴، ص ۲۸۶ و شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۶۶.
۲. ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۱۷۱.
۳. بلاذری، همان، ج ۳، ص ۳۸۵؛ طبری، همان، ج ۴، ص ۳۰۹؛ مفید، همان، ج ۲، ص ۸۴؛ ابن اعثم، همان، ج ۵، ص ۸۳؛ قتال نیشابوری، همان، ص ۱۸۱؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۰۵؛ سید ابن طاووس، همان، ص ۴۹؛ ابن نما، همان، ص ۳۵؛ محمد بن طلحه شافعی، همان، ج ۲، ص ۷۷ و ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۱۸۹. اما برخی منابع، روز اول محرم را نوشته اند (دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۵۳).
۴. طبری، همان، ج ۴، ص ۳۱۰؛ بلاذری، همان، ج ۳، ص ۳۸۵؛ شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۸۴ و ابن جوزی، المتظم، ج ۵، ص ۳۳۶.
۵. ابن اعثم، همان، ج ۵، ص ۹۰-۹۱ و خوارزمی، همان، ج ۱، ص ۳۴۵-۳۴۶.
۶. طبری، همان، ج ۴، ص ۳۱۲؛ بلاذری، همان، ج ۳، ص ۳۸۹؛ دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۵۵ و شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۸۶.
۷. ابن سعد، همان، ص ۱۷۹.
۸. طبری، همان، ج ۴، ص ۳۱۵ و شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۸۹.

۹. بلاذری، همان، ج ۳، ص ۴۱۱؛ دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۵۹؛ شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۱۱۴ و خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۴۴. البته دینوری می نویسد که عمر سعد پس از کشتن حسین علیه السلام، دو روز در کربلا ماند و سپس آن جا را ترک کرد. حال اگر روز عاشورا به حساب نیاید، روز خروج عمر سعد از کربلا

- ۱۱ محرم: دفن شهدا توسط بنی اسد (از اهل غاضریه).^۱
- ۱ صفر: روز ورود اهل بیت (ع) و سر مطهر امام حسین (ع) به شام.^۲
- ۲۰ صفر: اربعین حسینی و ورود اهل بیت (ع) به کربلا.^۳
- ۲۰ صفر: بازگشت اهل بیت (ع) از شام به مدینه بنا بر برخی اقوال.^۴

کتابنامه

۱. موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، چاپ پنجم: [بی جا، بی تا] ۱۴۱۳ ق.
۲. ابن ابی العبدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالاحیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ق.
۳. ابن اعثم، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ ق.
۴. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن علی بن محمد، المتظم فی تاریخ الملوک و الامم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۵. ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق شیخ عادل احمد عبدالموجود و شیخ علی محمد معوض، چاپ اول: بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۶. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، چاپ اول: بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.
۷. ابن حجر عسقلانی، تبصیر المتبصر، قاهره، دارالقومیة العربیه.
۸. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تحقیق یوسف بقاعی، بیروت، افست دارالاضواء، ۱۴۲۱ ق.
۹. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، تهران: مؤسسه الاعلمی، [بی تا].
۱۰. ابن عبد ربّه، احمد بن محمد، العقد الفريد، تحقیق علی شیری، چاپ اول: بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. ابن عبد ربّه، العقد الفريد، مطبعة اللجنة التألیف و الترجمة و النشر، ۱۳۶۵ ق.
۱۲. ابن عبداللّه قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق شیخ عادل احمد عبدالموجود و شیخ علی محمد معوض، چاپ اول: بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.

روز دوازدهم بوده است، لذا حرکت را روز دوازدهم نوشته است. اما برخی، زمان آن را تعیین نکرده اند (یعقوبی، همان، ج ۲، ۲۴۵؛ ابن اعثم، همان، ج ۵، ص ۱۲۰).

۱. طبری، همان، ج ۴، ۳۴۸؛ خوارزمی، همان، ج ۲، ص ۴۴ و ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۲۰۵.

۲. ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی، الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، ص ۳۳۱؛ زکریا محمد بن محمود قزوینی، عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، ص ۴۵ و کفعمی، مصباح الکفعمی، ص ۵۱۰. البته برخی روز ورود اهل بیت (ع) را به شام شانزدهم ربیع الاول دانسته اند (عمادالدین حسن بن علی طبری، کامل بهائی (الکامل البهائی فی السقیفه)، ج ۲، ص ۲۹۳).

۳. بیرونی، همان، ص ۳۳۱؛ ملاحسین واعظ کاشفی، روضة الشهداء، ص ۴۸۵ و بهاء الدین عاملی، توضیح المقاصد، ص ۶-۷.

۴. شیخ مفید، مساز الشیعه، ص ۴۶؛ شیخ طوسی، مصباح المتبهد، ص ۷۸۷؛ رضی الدین علی بن یوسف مطهر حلی، العدد القویه، ص ۲۱۹.

۱۴. ابن عساکر، ترجمة الامام الحسين، تحقيق محمد باقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. ابن قتیبه دینوری، الامامة و السیاسة، تحقيق علی شیری، بیروت، دارالاحیاء، ۱۴۱۰ ق.
۱۶. ابن نما حلی، منیر الأخران، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۶۹ ق.
۱۷. ابوالصلاح حلبی، فقیه المعارف، تحقيق فارس تبریزیان حسون، [بی جا]، محقق، ۱۳۷۵.
۱۸. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل، البدایة و النہایة، تحقيق علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۱۹. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۳۸۵ ق.
۲۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
۲۱. ابوحنیفه دینوری، الأخبار الطوال، تحقيق عبدالمنعم عامر، قاهره، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۰ م.
۲۲. تمیمی مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الائمة الاطهار، تحقيق سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، [بی تا].
۲۳. بیرونی خوارزمی، ابوریحان محمد بن احمد، الآثار الباقیة عن القرون الخالیة، بیروت، دارصادر، [بی تا].
۲۴. بلخی، ابوزید احمد بن سهل، البدء و الناریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. مسکویه رازی، ابوعلی، تجارب الامم و تعاقب الهمم، تحقيق ابوالقاسم امامی، چاپ اول: تهران، سروش، ۱۳۶۶.
۲۶. ازدی غامدی کوفی، ابومخنف لوط بن یحیی، وقعة الطف، تحقيق محمد هادی یوسفی غروی، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، سید محمد باقر خراسان، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ ق.
۲۸. هتیمی، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة فی ردّ اهل البدع و الزندقه، تعليق عبدالوهاب عبداللطیف، چاپ دوم: قاهره، مكتبة القاهرة، ۱۳۸۵ ق.
۲۹. بلاذری، احمد بن یحیی جابر، انساب الاشراف، تحقيق سهیل زکّار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۳۰. کفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی، المصباح، قم، منشورات الشریف الرضی و زاهدی.
۳۱. مُخَلّی، حمید بن احمد، الحقائق الوردیه فی مناقب ائمة الزیدیه، تحقيق مرتضی بن زید محطوری حسینی، چاپ اول: صنعاء، مكتبة بدر، ۱۴۲۳ ق.
۳۲. عصفری، خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، تحقيق سهیل زکّار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۳۳. خوارزمی، منیر الحسین، تحقيق محمد طاهر سماوی، قم، دارانوار الهدی، ۱۴۱۸ ق.
۳۴. ذهبی، میر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، چاپ دوم: قم، انصاریان، ۱۳۸۱.
۳۶. حلی، رضی الدین علی بن یوسف مطهر، العدد القویه، تحقيق سید مهدی رجایی، چاپ اول: قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۸ ق.
۳۷. قزوینی، زکریا محمد بن محمود، عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، چاپ شده در حاشیه کتاب حیاة الحيوان دمیتری، [بی جا، بی نا، بی تا].
۳۸. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص من الامة بذكر خصائص الحسین، تحقيق حسین تقی زاده، چاپ اول: [بی جا]، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لأهل البيت، ۱۴۲۶ ق.
۳۹. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، قدّم له سید صادق بحر العلوم، تهران، مكتبة نینوی الحدیثه، [بی تا].
۴۰. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالي، تحقيق محمد باقر انصاری زنجانی، [بی جا، بی نا، بی تا].
۴۱. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقيق حمدي عبدالمجید سلفی، چاپ دوم: قاهره، مكتبة ابن تیمیة، [بی تا].

۴۲. سید ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، تحقيق جواد قیومی اصفهانی، [بی جا]، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۴۳. سید ابن طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، تحقيق فارس حسون، چاپ چهارم: تهران، دارالاسوه، ۱۳۸۳.
۴۴. ابن عنبه، سید جمال الدین احمد بن علی حسنی، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، تصحيح محمد حسن آل طالقانی، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰ ق.
۴۵. عاملی، سید محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۴۶. ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمری، چاپ دوم: بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۸ ق.
۴۷. نویری، شهاب الدین احمد بن عبد الوهاب، نهاية الارب فی فنون الادب، قاهره، مکتبه العربیه، ۱۳۹۵ ق.
۴۸. محلاتی، ذبیح الله، فرسان الهیجاء، چاپ دوم: تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۹۰ ق.
۴۹. شیخ صدوق، الامالی، تحقيق مؤسسة البعثه، چاپ اول: قم، مؤسسة البعثه، ۱۴۱۷ ق.
۵۰. شیخ صدوق، الخصال، تصحيح علی اکبر غفاری، قم، منشورات جامعه المدرسین، ۱۳۶۲.
۵۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، تحقيق شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق.
۵۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، تصحيح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۵۳. شیخ طوسی، الامالی، تحقيق مؤسسة البعثه، چاپ اول: قم، دارالکتب، ۱۴۱۴ ق.
۵۴. شیخ طوسی، رجال الطوسی، تحقيق جواد قیومی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۵۵. شیخ کلینی، الکافی، تحقيق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۵۶. شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقيق مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم، دارالمفید، ۱۴۱۳ ق.
۵۷. شیخ مفید، مسأله الشیعه، (چاپ شده در جلد ۷ مؤلفات شیخ مفید)، تحقيق مهدی نجف، چاپ دوم: بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۵۸. صفدی، صلاح الدین خلیل بن ابی بکر، الوافی بالوفیات، بیروت، المعهد المانی.
۵۹. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، تهران، انتشارات جهان، [بی تا].
۶۰. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم، انتشارات انصاریان، ۱۴۱۷ ق.
۶۱. اربلی، علی بن عیسی بن ابی الفتح، کشف الغمّه فی معرفه الاثمه، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ ق.
۶۲. عمری، علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبین، چاپ اول: قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.
۶۳. طبری، عماد الدین حسن بن علی، کامل بهائی (الکامل البهائی فی السقیفه)، تهران، مکتبه المصطفوی، [بی تا].
۶۴. طبری، عماد الدین، بشارة المصطفی، تحقيق جواد قیومی اصفهانی، چاپ اول: قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۶۵. زرگری نژاد، غلامحسین، نهضت امام حسین و قیام کربلا، چاپ اول: تهران، سمت، ۱۳۸۳.
۶۶. خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، تهران، انتشارات کتابخانه خیام، ۱۳۳۳.
۶۷. طبرسی، فضل بن حسن، تاج الموالید، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.
۶۸. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ اول: قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ ق.
۶۹. کوفی اسدی، فضیل بن زبیر بن عمر بن درهم، «تسمیه من قتل مع الحسین»، تحقيق سید محمد رضا حسینی جلالی، فصلنامه تراثا، شماره ۲، ۱۴۰۶ ق.

۷۰. مغربی، قاضی نعمان، دعائم الاسلام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۸۳ ق.
۷۱. معلوف، لوتیس، المنجد فی الاعلام، چاپ دوازدهم: بیروت، افست دارالمشرق، [بی تا].
۷۲. طبری، محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، قاهره، مکتبة القدسی، ۱۳۵۶ ق.
۷۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم: بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۷۴. مجلسی، محمدباقر، جلاء العیون، چاپ اول: تهران، رشیدی، ۱۳۶۲.
۷۵. حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب، تسلیة المجالس و زينة المجالس، تحقیق فارس حسون، چاپ اول: قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۸ ق.
۷۶. باغونی، محمد بن احمد، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب، تحقیق محمدباقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۵ ق.
۷۷. دولابی، محمد بن احمد، الذریة الطاهرة، تحقیق سعد مبارک حسن، کویت، دارالسلفیه، ۱۴۰۷ ق.
۷۸. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامة، تحقیق مؤسسة البعثة، چاپ اول: قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ ق.
۷۹. تمیمی یسعی، محمد بن حبان بن احمد، الثقات، چاپ اول: [بی جا]، مؤسسة الکتب الثقافیه، ۱۳۹۳ ق.
۸۰. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتجهد و سلاح المتجهد، چاپ اول: بیروت، مؤسسة فقه الشیعه، ۱۴۱۱ ق.
۸۱. ابن سعد، «ترجمة الحسین و مقتله»، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبائی، فصلنامه تراثنا سال سوم، شماره ۱۰، ۱۴۰۸ ق.
۸۲. سماوی، محمد بن طاهر، إنبصار العین فی أنصار الحسین، تحقیق محمد جعفر سماوی، قم، مرکز الدراسات الاسلامیه لحرس النور، ۱۳۷۷.
۸۳. شافعی، محمد بن طلحه، کفایة الطالب فی مناقب امیرالمؤمنین، تحقیق محمد هادی امینی، تهران دار احیاء تراث اهل البيت، ۱۴۰۴ ق.
۸۴. شافعی، محمد بن طلحه، مطالب السؤل فی مناقب الرسول، تحقیق ماجد بن احمد العطیه، بیروت، مؤسسة أم القرى، ۱۴۲۰ ق.
۸۵. ابن آثار، محمد بن عبدالله بن ابی بکر قناعی، دُرَر السط فی خبر البسط، تحقیق عزالدین عمر موسی، چاپ اول: بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۸۶. نیشابوری، محمد بن فتال، روضة الواعظین، تحقیق سید محمد مهدی خراسان، قم، منشورات الشریف الرضی، [بی تا].
۸۷. مشهدی، المزار الکبیر، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، چاپ اول: قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۸۸. سپهر، محمدتقی، ناسخ التواریخ، چاپ سوم: تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۶۸.
۸۹. تستری، شیخ محمدتقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۹۰. شمس الدین، محمد مهدی، انصار الحسین، چاپ دوم: [بی جا]، الدار الاسلامیه، ۱۴۰۱ ق.
۹۱. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق سعید محمد لحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ ق.
۹۲. کاشفی، ملاحسین، روضة الشهداء، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۱.
۹۳. میرخواند، تاریخ روضة الصفاء، تصحیح جمشید کیانفر، چاپ اول: تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
۹۴. هادی بن ابراهیم وزیر، نهاية الثنویه فی ازهاق الثنویه، تحقیق احمد بن درهم ابن عبدالله حوری و ابراهیم بن مجد الدین بن محمد مؤیدی، چاپ اول: بمن، منشورات مرکز اهل البيت للدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۱ ق.
۹۵. جرجانی شجرى، یحیی بن حسین بن اسماعیل، الامالی الخمیسه، بیروت، عالم الکتب.
۹۶. یوسفی غروی، محمدهادی، وقعة الطف، چاپ سوم: قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی